همیشه باید با من باشد؛ به هر حال آن را پذیرفته‌ام و با آن مشکلی ندارم.

ولی قبول دارید که این تأثیر دختر آقای هاشمی بودن هم هست؛ مثلا اگر یک مسئول بودید یا کسی که دختر آقای هاشمی نبود، شرایط هم اینطور نبود.

ممکن است. شاید ناخودآگاه این قضیه بوده ولی خب اجباری هم ندارم.

یک پرانتز باز کنم. حرف از خارج رفتن شما شد. شما بهتر از من می‌دانید که در همه سال‌های گذشته، درباره ثروت خانواده هاشمی و همین بحث سفرهای خارجی که درباره‌اش صحبت کردید، حرف‌های زیادی زده شده است. تا قبل از این سالی چند بار به خارج از کشور سفر می‌کردید؟

بستگی دارد.

آن‌جا بستگانی دارید یا این‌که خودتان خانه و زندگی دارید؟

نه، خودمان خانه نداریم؛ مثلا من رفتم آمریکا، سفرم کاملا شخصی بود و بعد هم ایالت‌هایی رفتم که در آن‌جا دوستان و بستگانی داشتیم. من به سفر خیلی اعتقاد دارم، چه داخلی چه خارجی. ایرانگردی و جهانگردی یکی از برنامه‌های من است؛ مثلا پارسال با یک تور رفتم اروپای شرقی و هشت کشور را گشتیم، آن‌جا در هتل‌ها اقامت می‌کردیم. قبلش هم نپال رفته بودم و خیلی کشورهای دیگر.

با اعضای خانواده و دوستان می‌روید؟

گاهی با خانواده و گاهی با دوستان. آمریکا را تنهایی رفتم ولی در آن‌جا در هر شهری به بستگان و دوستان ملحق می‌شدم.

مادرتان را هم می‌برید؟

بله، همین دو ماه پیش مادرم با فاطی و محسن رفتند اسپانیا، قبلش هم به لندن رفته بودند. من هر سال چند کشور همسایه را با هم در یک سفر برای دیدن انتخاب می‌کنم. معتقدم که آدم باید دنیا دیده شود. در ایران هم در دوره‌ای که پنج سال طول کشید، با گروهی از دوستانمان به همه استان‌های کشور سفر کردیم.

یکی از شایعاتی که درباره شما مطرح است، این است که گفته می‌شود زنان خانواده آقای هاشمی مارک‌پوش هستند و در سفرهای خارجی‌شان مارک‌های زیادی خرید می‌کنند، همین‌طور است؟

نه، اینطور نیست. البته اگر مارکی باشد که قیمتش در حراج حسابی ارزان شده باشد، حتما می‌خرم ولی اصراری هم به مارک‌پوشی ندارم.

چرا ارزان؟ شما که پولش را دارید.

نه، آن‌قدر هم پول نداریم. حالا خوب است بعد از فوت بابا خیلی‌ها آمدند خانه و زندگی ما را دیدند. واقعا آن‌قدر هم پول نداریم که بتوانیم مارک‌پوشی کنیم. من خودم آن‌قدر پول ندارم، اعتقادی هم به مارک‌پوشی ندارم، دنبالش هم نیستم. در خارج هم اگر حراج باشد، گاهی می‌خرم. ما پولداریم ولی پولدار معمولی جامعه.

فرزندانتان چی؟ همسرتان، آقای لاهوتی.

آقای لاهوتی هم بدش نمی‌آید مارک داشته باشد ولی اگر چنین شرایطی پیش بیاید. دخترم بیشتر دنبال مارک است اما پسرم نه.

آقای لاهوتی الان کجا مشغولند؟

کار آزاد.

چه جور کار آزادی؟

با چند نفر از دوستانش کار می‌کند. پزشک است ولی کار پزشکی نمی‌کند.

چرا؟

مثل این که علاقه‌ای نداشته، به خاطر پدرش رفته پزشکی خوانده. همیشه می‌گوید علاقه‌ای به پزشکی نداشته و این کار را هم انجام نداده است.

دختر و پسرتان چه کار می‌کنند؟ چند سالشان است و به چه کاری مشغولند؟

دخترم متولد ۱۳۶۲ و پسرم متولد ۶۶ است. دخترم ازدواج کرده و با همسرش کار می‌کند؛ البته کار آزاد. پسرم هم در دانشگاه آزاد است.

سوال آخر این بخش باز هم درباره پدرتان است؛ دلتان برای آقای هاشمی تنگ شده است؟

بله، حتما تنگ شده؛ مگر می‌شود نشود؟

هنوز هم در خانه‌تان کسی برای فوت ایشان گریه می‌کند؟

بله، فاطی هنوز گریه می‌کند؛ ولی من وقتی درباره بابا حرف می‌زنم، گریه نمی‌کنم، شاد می‌شوم. خاطراتم را که می‌گویم، برایم شادی‌آور است.

اتفاقا در روزهای فوت ایشان هم خلاف انتظارم، فاطمه خانم از شما بیقرارتر بودند و شما آرام بودید.

بله، همین‌طور است.

می‌روم سراغ بخش دیگری از سوالات که مربوط به مسائل زنان است. خانم هاشمی وقتی با تعدادی از مسئولان و حتی نمایندگان زن مجلس صحبت می‌کنیم، خیلی‌هایشان معتقدند که زن بودن در ایران یک موضوع سیاسی است و در ایران زن بودن با مسائل سیاسی تنیده شده است.

از آن‌جا که بخش مهمی از موضوعات مربوط به زنان، حقوق بشری است. مثلا تبعیضی که در قوانین بین زن و مرد وجود دارد، به مسائل حقوق بشری برمی‌گردد و حقوق بشر هم موضوع سیاسی است، چون حکومت‌ها باید شرایط اجرای حقوق بشر را فراهم کنند، بخش کوچکی از آنها به مردم برمی‌گردد، چون موضوع حکومتی می‌شود، سیاسی است. از این نگاه، بله شاید بخش مهمی از موضوعات زنان، البته نه برای همه زنان، سیاسی می‌شود. بخشی از زنان جامعه ممکن است اصلا برایشان مهم نباشد که حقوقشان با حقوق برادرانشان یا همسرانشان فرق داشته باشد ولی خب برای بخشی از زنان تحصیلکرده مهم است. توانستم پاسخ سوال شما را بدهم؟

من می‌خواهم یک جواب صریح و قطعی از شما بگیرم. این که آیا زن بودن در ایران را یک امر سیاسی می‌دانید؟

نه آن را یک امر سیاسی نمی‌دانم. از این نگاه، مردم ایران سیاسی هستند، فکر نمی‌کنم هیچ جای دنیا چنین شرایطی وجود داشته باشد که این قدر آدم‌ها درباره سیاست اظهارنظر کنند. مثلا من وقتی در انگلیس درس می‌خواندم، خیلی از همکلاسی‌هایم انگلیسی بودند، یک بار درباره پرنسس دایانا و ملکه از آنها پرسیدم و آنها گفتند که این چیزها غدغه ما نیست و به ما مربوط نمی‌شود. شاید از این نظر بتوانیم بگوییم که خیلی از موضوعات در ایران سیاسی می‌شود و نباید هم باشد.

خانم هاشمی معمولا کسانی که می‌آیند سراغ شما، یاد ورزش زنان می‌افتند. درباره ورود زنان به ورزشگاه‌ها، از شما سوال پرسیدند و شما جواب داده‌اید، جدیدا وزیر ورزش با ما گفت‌وگو کرد و گفت که خبرهای خوبی خواهیم داشت در دولت جدید. فکر می‌کنید که این قضیه حل‌شدنی است و چرا این موضوع پیچیده شد؟

تا حدودی حل شده این موضوع.

یعنی چی حل شده؟

چند تا مسابقه داشتیم که زنان رفته بودند.

بله اما فرمایشی بود.

عیبی ندارد، کم کم عمومی و عادی می‌شود. این مهم است که بالاخره زنان حضور داشته باشند. یادم می‌آید بعضی از کسانی که مخالفت می‌کردند، می‌گفتند که این موضوع از نظر دینی مشکل دارد و می‌گفتند زنان نباید دست بی‌آستین مردان را ببینند، گناه است. استدلال‌هایی که می‌آمد، واقعی نبود، بیشتر برخورد سیاسی بود و بهانه‌جویی و حالا زنان واقعی یا فرمایشی رفته‌اند، جنبه خوب این موضوع و سایر موضوعات این است که دختران و زنان ما آگاه هستند و مطالبات به حق خود را تا انجام دنبال می‌کنند.

بله تا سال ۹۰، ورزشگاه برای والیبال می‌رفتیم.

بله. متاسفانه در ایران، مهم این است که چه کاری به نام چه کسی تمام می‌شود. مهم نیست که آن موضوع از نظر ماهیتی چقدر مشکل دارد یا ندارد.

منظورتان زمان آقای احمدی‌نژاد است؟

بله، رابطه با آمریکا، ورود زنان به استادیوم و وزیر وزن و ... . اینها در دوره آقای احمدی‌نژاد که یک رئیس‌جمهوری اصولگرا بود، اشکال ندارد انجام شود. قرار است اصلاح‌طلبان کارهای معمولی و عادی را که جزو حقوق شهروندی افراد است، انجام ندهند تا محبوب‌تر نشوند. هدف این است. شما حرف خوبی زدید، چرا زمان آقای احمدی‌نژاد زنان می‌توانستند بروند استادیوم اما زمان آقای روحانی نه؟ آقای احمدی‌نژاد کم به اوباما نامه نوشت؟ اما آنها تحویلش نگرفتند، این‌جا یک دست دادند، نزدیک بود کفن‌پوش‌ها بریزند خیابان. احمدی‌نژاد مادر چاوز را بغل می‌کند اما برای دیدار آقای خاتمی با زنان ایتالیایی، کفن‌پوش‌ها به خیابان‌ها ریختند.

یعنی دوباره مسأله‌ای که مربوط به زنان است، دستمایه و بازیچه یک موضوع سیاسی می‌شود.

بله دقیقا همین‌طور است. مثل سایر مسائل. اگر اشکال دارد، چطور تیم‌ملی ایران که در یک کشور دیگر بازی دارد، سفارت ما که نماینده جمهوری اسلامی است، برنامه‌ریزی می‌کند و زنان سفارت را به همراه سایرین برای تماشای مسابقه می‌برد و صداوسیمای ما بارها نشان می‌دهد. آیا این دهن‌کجی به زنان داخل ایران نیست؟ چطور زنان ایرانی آن‌جا به استادیوم بروند اشکالی ندارد اما در کشور خودمان نمی‌توانند به استادیوم بروند. خب اگر می‌گویید زیرساخت‌ها اشکال دارد، درست کنند، آخرش هم زیرساخت‌ها می‌رسد به وجود داشتن یا نداشتن چند سرویس بهداشتی. چهار تا دستشویی ساختن در استادیوم ۱۲ هزار نفری، کاری دارد؟ زن‌ها را از حقوق اولیه‌شان محروم می‌کنید و این همه حرف و حدیث ایجاد می‌کنید و این همه ایران را بد جلوه می‌دهید، چون چند تا توالت نمی‌توانید بسازید؟

فکر می‌کنید در دوره دوم آقای روحانی این مشکل برطرف می‌شود؟

به نظر من، تا همین الان خیلی برطرف شده.

حتی فوتبال والبته والیبال.

رشته‌های دیگر زنان می‌توانند به استادیوم وارد شوند و سروصدایی در آن بخش‌ها وجود ندارد. الان والیبال و فوتبال مهم است. به نظر من بستگی به خود زنان نیز دارد. یعنی همچنان کوتاه نیایند و مطالباتشان را دنبال کنند و برای آن هزینه هم بدهند.

بله خانم مولاوردی هم انصافا خوب پای این موضوع ایستاد.

خیلی خوب. ایشان موضوعات زنان را خوب دنبال کردند و امیدوارم خانم دکتر ابتکار نیز چنین باشند، البته ظواهر نشان نمی‌دهد و شروع خوبی نداشته‌اند. اگر ما زنان موضوع را رها کنیم، آنها هم خداخواسته رها می‌کنند. باید به میدان بیاییم و بمانیم. در هر موضوعی. چه ورود دختران به استادیوم یا موضوع دیگری که فکر می‌کنیم که حقوقمان تضییع شده است. مثلا همین سهمیه. از چه زمانی بحث سهمیه جدی شد؟ از زمانی که زنان اصلاح‌طلب با یکدیگر هم‌صدا شدند. الان نمایندگان مجلس را ببینید، همیشه به صورت سنتی، ۵ زن در لیست‌های تهران بود.

بله، الان روی هم، ۱۷ نفر هستند.

مجلس پنجم ما بالاترین رکورد نمایندگان زن را داشت که ۱۴ نفر بودیم. بعد از آن ریزش داشت و مجلس آخر شد ۸ یا ۹ تا. الان شده ۱۷ تا. درست است که سهمیه ۳۰ درصد محقق نشد. شورای شهر، سه تا زن داشتیم، الان ۶ تا داریم.

شما در سال‌های اول فعالیت‌تان، فدراسیون اسلامی ورزش زنان و بعد روزنامه زن را داشتید، آیا به احیای اینها فکر نمی‌کنید؟

در مورد فدراسیون هم فکر و هم دنبال می‌کنیم اما دولت نمی‌خواهد ولی روزنامه زن نه؛ انگیزه‌ای برای احیای آن ندارم. چون این‌قدر فضای مجازی پر از رسانه است، احساس نمی‌کنم که نبود روزنامه زن خللی را ایجاد کند هرچند که زمان خودش وجود روزنامه زن، خیلی موثر بود اما این‌قدر زنان ما آگاه و وارد میدان شده‌اند، فکر نمی‌کنم نبود روزنامه زن خیلی موضوع جدی باشد، چون ابزارهایی که زنان بتوانند نظرات و ایده‌هایشان را بیان کنند، بسیار است. اما در مورد فدراسیون خیلی تمایل داریم و انتظار داشتیم که آقای روحانی این کار را بکند اما نمی‌دانیم چرا این کار را نکرد.

یعنی درخواست دادید و پذیرفته نشد؟

من درخواست ندادم، اما زنان ورزشی دنبال این هستند و نشد. گروه‌های زیادی از زنان ورزشی رفتند با آقایان صحبت کردند اما پذیرفته نشد، نه در المپیک (پایگاه فدراسیون در کمیته ملی المپیک بود) و نه وزیر ورزش کاری کرد، نه مجموعه دولت در این زمینه کاری نکردند. خیلی تقاضاها رفت که این اتفاق بیفتد و واقعا هم وجودش خیلی لازم است.

به نظر شما چرا این کار را نکردند؟

چون رئیسش فائزه هاشمی بود. فکر می‌کنند با احیای فدراسیون، فائزه هاشمی احیا می‌شود. قرار نیست همیشه من رئیس باشم. فدراسیون می‌توانست با ریاست و هدایت شخص دیگری راه بیفتد.

چه لزومی دارد که اصلا آن اتفاق بیفتد؟ به نظر شما بعدش اتفاق خاصی می‌افتد؟

بله، ببینید ما هنوز رشته‌هایی داریم مثل شناوژیمناستیک که هنوز نمی‌توانند به سطح بین‌المللی بروند. مسابقاتی داشتیم که دارای هویت بود و هویت اسلامی را تقویت کرده بود، این که زن‌ها می‌توانند محجبه بروند در مسابقات بین‌المللی شرکت کنند، باعث افتخار من است. فدراسیون ما بود که راه را باز کرد، فدراسیون‌های بین‌المللی را قانع کرد که زنان بتوانند با حجاب در مسابقات شرکت کنند. برای شما یک مثال بزنم. مسابقات استوک مندویل، مسابقاتی بود برای معلولان که نخستین‌بار انگلیس آن را راه‌اندازی کرد، بعد از آن هزاران مسابقه برای معلولان برگزار شد و می‌شود اما مسابقات استوک متروپل، هنوز سرجایش است، چون دنیا به داشته‌های خودش افتخار می‌کند، مایی که توانستیم چنین نهضتی را در جهان راه بیندازیم، خودمان باید خودمان را با نگاه‌های سیاسی کنار بگذاریم؟

درست است. درباره ماجرای دوچرخه‌سواری، خیلی از شما سوال کرده‌اند، بعد از آن ماجرا ها قبحش شکسته شده است.

هیچ‌وقت ما در این باره منع قانونی نداشتیم.

اما ظاهرا منع عرفی داشت.

نه منع عرفی هم نداشت.

درست است اما ظاهرا همان موقع خیلی‌ها ایراد گرفته بودند.

نه آنها هم نگفتند. جریان این بود که در یک سمینار که شهرداری تهران برگزار کرد، دوچرخه را به‌عنوان وسیله حمل‌ونقل با هدف کاهش ترافیک و کاهش آلودگی هوا مورد ارزیابی قرار دهد. در آن سمینار هم از من دعوت کردند که سخنرانی کنم و گفتم دوچرخه‌سواری که منع شرعی ندارد، پس ما بیاییم شرایط اجتماعی آن را ایجاد کنند که هم زنان بتوانند استفاده کنند و هم مردان؛ دوچرخه‌سواری را مردانه نکنیم و بعد بگوییم وسیله حمل‌ونقل. در رسانه‌ها منتشر شد و کسی هم اعتراض نکرد، بعد که من کاندیدای مجلس پنجم شدم، انصار حزب‌الله این حرف را پس از حدود ۲ سال با هدف تخریب من منتشر کرد که بگوید اینها دین و ایمان ندارند و کلی تفسیر کردند که دوچرخه‌سواری با حجاب ممکن نیست.

حرف از فضای مجازی شد، شما گفتید این‌قدر فضای مجازی پر از رسانه است که احساس نمی‌کنید نبود روزنامه زن خللی را ایجاد کند. چرا در فضای مجازی نیستید؟

چون من موبایل ندارم.

چرا ندارید؟

چون وقتی موبایل داشته باشی، باید پاسخگو باشی و زمان زیادی از روز را از دست می‌دهی. همیشه پیدایت می‌کنند. معتقدم موبایل ۱۰ درصدش خدمت است و ۹۰ درصدش آزار.

هیچ‌وقت تلفن همراه نداشته‌اید؟

وقتی نماینده مجلس بودم و بعد که به انگلیس رفتم، داشتم ولی بعدش نه.

خانم هاشمی، شما با مردم ارتباط دارید ولی به نظر می‌آید یکی از مهمترین موارد، همان ۶ ماه زندان شما است. در زندان فکر کنم زنان با جرایم مختلف حضور داشتند.

البته سیاسی و امنیتی فقط.

درباره مسائل زنان زندانی؛ چندی پیش خانم مولاوردی و همکاران‌شان پویشی را برای آزادی ۲۰۰ زن زندانی راه انداخته‌اند، زنان زندانی با جرایم مالی. شما در این پویش شرکت کردید؟

در جریان قرار نگرفتم، من اصلا در فضای مجازی نیستم، موبایل هم ندارم و به همین دلیل خیلی موارد را متوجه نمی‌شوم.

در دولت‌های نهم و دهم، اتفاقات مختلفی در حوزه زنان رخ داد که با واکنش‌های مثبتی هم روبه‌رو نشد. علاوه براین، در همین دوره عملکرد فراکسیون زنان بسیار چالش‌برانگیز بوده و برخی از طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی آنها در تضاد به خواسته و حقوق زنان بوده است. شما چه نقدی به این دوران دارید؟

یکی از مواردی که به ظاهر مفید بود ولی در درازمدت باعث رانده‌شدن زنان از فعالیت‌های کاری، اداری و اجتماعی می‌شود و جزو همان سیاست‌های پوپولیستی آقای احمدی‌نژاد بود، مرخصی زایمان بود که ۹ ماه شد یا بازنشستگی زودهنگام که زنان می‌توانند پس از ۲۰ سال کار، بازنشسته شوند. یا مثلا کاهش ساعت کاری زنان و.. اینها به ظاهر امتیاز برای زنان است ولی سبب می‌شود کارفرما، نیروهای مرد را ترجیح دهد و عملا به کاهش تعداد زنان در محتواهای کاری در درازمدت بینجامد. متاسفانه خیلی از زنان نیز از این طرح‌ها حمایت می‌کردند. براساس آماری که خانم مولاوردی اعلام کردند، ۴۷ هزار نفر از زنانی که برای زایمان مرخصی ۹ ماهه اخراج شدند. وقتی یک زن برای کارفرما هزینه داشته باشد و منفعتی نداشته باشد، عملا کارفرما سمت استخدام مردان می‌روند. به نظر من خیلی از زنان ما گول این ظاهرسازی را خوردند یا مثلا آن سهمیه جنسیتی که برای ورود به دانشگاه‌ها لحاظ شد و در واقع تضییع کردن حقوق زنان بود؛ وقتی مردان نمی‌خواهند درس بخوانند، چرا مانع ورود زنان به دانشگاه‌ها شویم. یک کار آقای احمدی‌نژاد خوب بود هرچند که بعضی می‌گویند آن هم بخشی از سیاست‌های پوپولیستی او بود ولی به نظرم باب خوبی بود؛ مدیران زن در دوران آقای احمدی‌نژاد بیشتر از گذشته بود فارغ از هر هدفی، وزیر زن انتخاب شد که تابوشکنی بود.

و وزیر زنی را انتخاب کرد که موفق بود.

به نظرم موفق بود و مثل همه وزرایی که آورد، او را هم کنار گذاشت. خانم دستجردی روی یک‌سری از مواضع خود ماند و آقای احمدی‌نژاد هم او را برکنار کرد. به نظر من انتصاب وزیر زن از جانب آقای احمدی‌نژاد خوب بود، چون تابوشکنی برای مدیریت زنان بود که دیگران آثار این کار را ببینند و توانایی‌های آنان را باور کنند.

هنوز بعضی از زنان علیه زنان کار می‌کنند. خود شما اشاره کردید که آقای هاشمی گفتند خود زنان به زنان رأی نمی‌دهند. در فضای سازمانی و کابینه و... دیده می‌شود که بعضی از مدیران زن علیه همکاران زن خود کار می‌کنند؛ موضوعی که درباره کابینه دوازدهم هم مطرح شده بود.

من این را زیرآب‌زنی نمی‌دانم، همین شرایط برای مردان هم وجود دارد، مگر مردها با هم رقابت نمی‌کنند. مردها هم زیرآب همدیگر را می‌زنند که خود به مناصب برسند و این طبیعت کار است. این رقابت‌ها در سیاست و... وجود دارد و این جا هم وجود دارد و خاص زنان نیز نیست.

و جنسیتی هم نیست؛ زن و مرد ندارد.

بله، ما زنان این کارها را از مردها یاد می‌گیریم. یک اتفاق طبیعی در کار است. وقتی اصول غیرانسانی و غیراخلاقی وارد شود، به نظر من بد است ولی وقتی به‌طور طبیعی مثلا می‌گویم این خانم توانایی بیشتری نسبت به فلانی دارد، این بد نیست، بالاخره همه که توانایی ندارند. ما اعتقاد نداریم که زنان بدون توجه به شایستگی و توانایی‌شان منصوب شوند. من این موضوع را طبیعت کار می‌دانم و مطمئنم هرچقدر که جلوتر برویم و مدیران زنان بیشتر شود، این موارد هم بیشتر خواهد شد. بعد هم ما نباید تعصب داشته باشیم نسبت به زن بودن؛ این که چون فلانی زن است، من نباید ایراد او را بگویم، ولی اگر مدیر زنی خوب کار نکرد، باید عوض شود و ممکن است زن دیگری وارد شود و عملکرد بهتری داشته باشد؛ یعنی زنان را عادی ببینیم و عادی حرکت کنیم.

زمانی من داشتم مواضع آقای هاشمی را می‌خواندم و ایشان بحث صیغه یا ازدواج موقت را در آن زمان یک راه‌حل منحصربه‌فرد دنیای اسلام می‌دانست.

من هم می‌دانم.

یعنی شما با ازدواج موقت موافق هستید؟

من موافقم البته به شرطی که قانون آن درست باشد و حقوق زنان ضایع نشود و باید فرهنگ آن نیز ایجاد شود، چون چیزی است که ممکن است برای خیلی از افراد جانیفتاده باشد.

به چه دلایلی با ازدواج موقت، موافق هستید؟

دلیلش آن است که به گونه‌ای ساماندهی همین رابطه دوست‌دختر و پسری است. یعنی دوست‌دختر و پسری که ما الان می‌بینیم و آن را مناسب نمی‌دانیم و ازدواج موقت در واقع همان است. شاید یکی از دلایل آمارهای بالای طلاق در شرایط کنونی، این است که دختر و پسرها بدون شناخت دقیقی با هم ازدواج می‌کنند. ازدواج موقت زمینه‌ای است که همدیگر را بیشتر بشناسند و یک‌جوری جایگزین این روابط دختر و پسری خارج از قاعده و قانون است. حالا ما چون مسلمان هستیم، با صیغه مشکل ندارم.

ولی ازدواج موقت فقط درباره دختر، پسر هانیست.

من با ازدواج موقت برای مجردها موافقم و نه ازدواج مجدد.

ولی در بسیاری موارد صیغه برای افراد متأهل است و مردان متأهل از آن استفاده می‌کنند.

نه، نه. من آن را رد می‌کنم. این سوءاستفاده‌ای است که این مردان می‌کنند و غیراخلاقی است و به نوعی فساد آفرین. جامعه را ناامن می‌کند و باعث اختلال در خانواده است. به نظرم ظلم به زن است.

وقتی قانونی باشد، این موارد هم بخشی از آن هستند

نه، قانون باید موارد را مشخص کند. قانون که ما الان بحث چهارزنی را هم داریم. کدام زن رفته شکایت کرده که همسر من رفته بدون اجازه من زن دوم گرفته و قاضی به ابطال آن ازدواج دوم رأی داده باشد. آخر هم گفتند که کار خلاف شرع نکرده، زن گرفته است.

اگر بخواهد ازدواج دوم را در شناسنامه ثبت کند، باید اجازه زن خود را داشته باشد.

منظور من از ازدواج موقت برای همسر دوم به صورت همزمان نیست، بلکه برای مردان مجرد است. به نظر من قانون را می‌توان طوری نوشت که شامل این نشود.

به حقوق زنان در قانون مدنی در سخنان‌تان اشاره کردید. به نظر شما کدام موارد را باید تغییر داد؛ بحث خروج زنان از کشور در مجلس در حال اصلاح است و بحث حضانت و دیه و... است.

ما نمی‌دانیم کی این قوانین تغییر می‌کند. یک روزنامه زن را در سال ۷۸ بستند و یکی از اتهاماتش برابری دیه زن و مرد بود و الان بیمه دیه را برابر پرداخت می‌کند. بنابراین کی این موضوعات حل بشود، نمی‌دانم ولی امیدوارم هرچه زودتر باشد که کمتر افراد مثل من بابت طرح این‌گونه مسائل هزینه بدهند. این که چه قوانینی باید تغییر کند را مجتهدین باید بگویند. من یک سری مطالعات داشتم ولی مجتهد نیستم، دینی هم نخواندم ولی در مطالعاتی که داشتم و کارهای پژوهشی که انجام دادم، خیلی از این قوانین می‌تواند تغییر کند. بحث خوبی را اشاره کردید. اجتهاد در شیعه اصلا همین است. اگر قرار باشد موضوعی ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن، در روایات یا در احادیث آمده و همان باید عینا تا الان تکرار شود، پس اجتهاد چه نقشی دارد؟ پس یک رساله باشد و همان مرتب تجدید چاپ و تکثیر شود. این بخش اجتهاد است که وظیفه آن به‌روز کردن دین با توجه به شرایط زمانی و مکانی است. مثل قوانین که متناسب با شرایط روز تغییر می‌کند. دین هم همین است، اگر غیر از این باشد، دین می‌میرد و دیگر طرفداری ندارد. دین باید پویا باشد، کار مجتهد هم پویا نگه‌داشتن دین است. مثل حق حضانت، حق طلاق، تابعیت. اصلا قوانین تابعیت ما افتضاح و بالاترین توهین به زن ایرانی است. اینها همه قابل تغییر است. وظیفه مجتهدین ماست و دین باید به این موارد پاسخگو باشد.

در مجلس ششم شرایط برای تغییر این قوانین مهیاتر بود ولی شورای نگهبان و مجمع که ریاست آن برعهده آقای هاشمی بود، همکاری مناسبی نداشتند.

اگر هم می‌شد در سد شورای نگهبان گیر می‌کرد.

ولی مجمع می‌تواند در موارد اختلاف مجلس و شورای نگهبان ورود کند.

اکثریت اعضای مجمع اصولگرا هستند به آقای هاشمی یا چند نفر نگاه نکنید. رأی اکثریت در مجمع با اصولگرایانی است که سنتی فکر می‌کنند. به طور مثال در آخرین انتصاب‌ها برای مجمع در حدود کمتر از یک ماه پیش، ۴ اصلاح‌طلب در ۳۱ عضو مجمع حضور دارند. این نکته را نیز توجه داشته باشید که اصولگرایان و اصلاح طلبان در موضوع زنان با هم خیلی فرق ندارند؛ بنابراین، این طور نیست که اگر مجلس اصلاح‌طلب شود یا با این تفکرات همراه باشد، همه چی حل می‌شود، نه. قوانین در شورای نگهبان رد می‌شوند.

خانم هاشمی شما یک زن هستید و الان بحث درباره لایحه منع خشونت علیه زنان زیاد است. سوال شخصی از شما دارم، تا حالا شده که به عنوان یک زن حس کنید تحت نوعی از انواع خشونت علیه زنان هستید؟

منظور خشونت خانگی از طرف همسر و این موارد است؟

حالا هر نوع خشونتی؛ خانگی یا اجتماعی؛ مثلا این که از خیابان رد شوید و لفظ نادرستی بشنوید؛ موضوعی که زیاد هم هست و بسیاری از زنان ایرانی آن را تجربه کرده‌اند.

به عنوان زن هیچ‌وقت چنین ماجرایی نداشتم و چنین مواردی برای من پیش نیامده. ممکن است موقع رانندگی با کسی بحثم شود (دیدید که راننده‌ها موقع جروبحث چه جملاتی نثار هم می‌کنند). این موارد گاهی بوده چون من خودم رانندگی می‌کنم و راننده و محافظ و... ندارم؛ هیچ‌وقت نداشتم. بنابراین بوده ولی احساس نکردم چون زنم این حرف‌ها گفته می‌شود.

در چنین بحث‌هایی معمولا می‌گویند «ای بابا باز یک زن نشسته پشت فرمان».

رانندگی‌ام طوری نبود که کسی تا حالا به من گفته باشد چرا رانندگی بلد نیستید. من نخستین‌باری که پشت فرمان نشستم، همان سال اول، از یک کوچه‌ای می‌آمدم بیرون در خیابان شریعتی، راننده روبه‌رویی به من گفت که خانم ماشین فرمان دارد، بچرخان فرمان را. من آن وسط گیر کرده بودم. همین داستان برای من تجربه‌ای شد که بدانم ماشین فرمان دارد و با ماشین چه کار باید کرد.

موارد دیگر چطور؟

نه برای من وجود نداشته و حتی برعکس بوده است. همیشه به واسطه زن بودن مورد تشویق قرار گرفتم که مثلا فلان کار را که خوب انجام دادی و... یا بسیاری از زن‌ها دوست دارند که به آنها بگویند مثل یک مرد هستی ولی من می‌گویم چرا فحش می‌دهید، مگر زن نمی‌تواند کار خوب انجام دهد و باید مثل مردها باشد. مامان من می‌گوید این همه تلاش کردید آخرش هم می‌گویند مثل یک مرد انجام دادی. هر کسی به من این حرف را می‌زند می‌گویم نه، بگو مثل یک شیرزن؛ چرا مثل مرد، مگر زن بودن چه ایرادی دارد که مثل یک مرد باشیم.

در کل قبول دارید که این خشونت‌ها وجود دارد؟

بله، بله وجود دارد.

از ابتدای مطرح‌شدن موضوع کابینه دوازدهم، بحث بود که حتما وزیر زن معرفی خواهد شد؛ از سه وزیر زن سخن گفتند که حتی یک وزیر زن هم در چینش نهایی دیده نشد. شما در مصاحبه‌ای گفته‌اید که فشارهایی برای این موضوع وجود دارد، این فشارها دقیقا از کجاست؟

اصلاح‌طلبان، دولت و... از انجام خیلی موارد منع می‌شوند ولی مقاومت و تلاش می‌کنند و گاهی می‌شود و گاهی نه. مشابه داستان شهردار شدن آقای نجفی؛ ولی متاسفانه در بحث زنان مقاومت و تلاشی در مقابل حرف‌های غیرمنطقی صورت نمی‌گیرد و سریع تسلیم می‌شوند.

دقیقا، سوال همین است که جاهایی که قرار است کوتاه بیایند، همین موضوع زنان است؛ مثلا شنیده شده که آقای روحانی گفته حاضر نیست به واسطه مسأله زنان این همه سختی و درگیری داشته باشد.

این جمله را من از آقای خاتمی شنیدم نه آقای روحانی. آقای خاتمی گفته بود که ما این‌قدر مشکل داریم که دیگر حاضر نیستیم برای مسائل زنان هم خودمان را درگیر کنیم.

این روزها شنیده‌هایی هست که آقای روحانی هم چنین چیزی گفته است.

به نظر من مثلا می‌گویند زن معرفی کنیم مجلس رأی نمی‌دهد؛ عیب ندارد شما معرفی کن. آقای روحانی مگر همه وزرای قبلی شما را مجلس تأیید کرد؟ برای وزارت ورزش چهار بار گزینه معرفی کردید؛ سه نفر ردی نیاوردند، خب اشکال داشت که یکی از آنها زن باشد؟ شما معرفی می‌کردید. بنابراین به نظر من قابل قبول نیست که آقای روحانی، دولت و وزرا کوتاهی کنند. آقای اوسط هاشمی (استاندار سیستان‌وبلوچستان) با شجاعت و به درستی این همه مدیر و فرماندار زن منصوب کرد، شنیدیم که در استان دیگری فرماندار زن معرفی کردند ولی دولت حاضر نشد حکمی برای اینها صادر کند و گفته علما مشکل دارند. بالاخره باید ایستاد و اگر لازم است برای آن درگیر هم شد؛ چون حقوق نیمی از جامعه مطرح است که به شما رأی داده‌اند.

این اتفاق بسیاری از زنان فعال را ناامید می‌کند.

بله، ناامید و سرخورده می‌کند.

شما ناامید نشدید؟

نه، ما مبارز زمان بیشتر می‌شود. ما همیشه جنگیدیم و اگر یک روز نجنگیم، ناامید می‌شویم. حق گرفتنی است؛ ولی انتظار ما از آقای روحانی بیشتر از این بود. امیدواریم معاونان زنان بیشتری انتخاب کنند. البته من شنیدم که آقای روحانی بخشنامه کرده یا گفته که وزرا از زنان برای معاونان خود استفاده کنند که البته کافی نیست. آقای روحانی باید درباره معاونت‌ها تدبیری می‌اندیشید و زنان را افزایش می‌داد؛ چون قرار این بود و گفته شد که نبود وزیر زن را در معاونت‌ها جبران می‌کند. آقای روحانی باید پاسخگو باشد، شاید بیش از ۵۰ درصد رأی آقای روحانی از خانم‌ها بوده و این بی‌توجهی به مطالبه زنان بی‌انصافی است. این جریانات وظیفه ما زنان را سنگین‌تر می‌کند که این حداقل سهمیه ۳۰ درصدی را جدی‌تر دنبال کنیم.

شما به تبعیض مثبت اعتقاد دارید؟

بله، کاملا. البته اوایل موافق نبودم ولی الان نزدیک ۴۰ سال از انقلاب ما گذشته و آمار زنان ما همین‌طور کاهش پیدا کرد؛ زنان مدیر، زنان نماینده مجلس و زنانی که مسئولیت داشتند. تمام کشورهای توسعه‌یافته دنیا غیر از یکی دو مورد همین مسیر را طی کردند و بعد به حالت عادی که رسید، دیگر آن سهمیه عادی لغو و شرایط عادی شد.

در زمان چینش کابینه، تعدادی از زنان فعال و نماینده مجلس معتقد بودند که اگر وزیر زن انتخاب شود، شما به عنوان یکی از گزینه‌های وزارت ورزش و جوانان، می‌توانستید مطرح شوید؛ با شما صحبتی نشد؟

نه.

و اگر این پیشنهاد می‌شد، شما استقبال می‌کردید؟

حتما استقبال می‌کردم و حتما می‌پذیرفتم.

عملکرد دولت یازدهم را در حوزه زنان چطور می‌دانید؟ فکر می‌کنید پیشرفت‌هایی داشت؟

به نظر من مجموعه رو به پیشرفت بود ولی کافی نبود؛ یعنی دولت آقای روحانی می‌توانست خیلی بهتر از اینها عمل کند.

کجاها مثلا؟

مثلا تعداد مدیران زن و انتصاب‌هایی که صورت گرفت، دوم مسائل حقوقی زنان. می‌توانستند لایحه ببرند مجلس برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز و... نمی‌توانم بگویم ضعیف بود ولی انتظارمان بیشتر از این بود. الان مطالبات ما بیشتر شده و زنان ما آگاه‌تر شده‌اند، ما هم باید نسبت به آنها پاسخگو باشیم.

نظر آقای هاشمی درباره وزیر زن چه بود؟ موافق بودند با این موضوع؟

وقتی ایشان با سهمیه حضور زنان در سیاست‌های کلان انتخابات موافق شدند، فکر می‌کنم با وزیر زن هم موافق بودند.

فکر می‌کنید اگر ایشان هنوز در قید حیات بودند، بحث وزارت زنان را با مقام‌های بالاتر رایزنی می‌کردند؟

نمی‌دانم. نمی‌توانم در این باره اظهارنظر دقیق کنم.

شما خودتان را فمینیست می‌دانید؟

من خودم را فمینیست به معنی برابری حقوق زنان و مردان می‌دانم.

خب مگر معنای فمینیسم، موضوعی غیر از این است؟

خب خیلی